



دانشگاه جامع پیام نور استان آذربایجان شرقی

دانشکده: علوم انسانی

گروه: زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه:

## سیمای زن در داستانهای اجتماعی ادب فارسی در فاصله سال های

۱۳۰۰-۱۳۲۰

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

مؤلف:

رویا اصغر زاد پیروزیان

استاد راهنما:

دکتر ناصر علیزاده

استاد مشاور:

دکتر میر نعمت ا... موسوی

زمستان ۱۳۸۶



« لهن مثل الذي عليهن بالمعروف »

(بقره آیه ۲۲۸)

تقدیم به

پدر و مادرم آن دو مهربان آسمانی، که بودند نشان

برایم همه مهر است و بودنم بر ایشان همه رنج

## سپاس و قدردانی

منت خدای را عزوجل، که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.

سپاس از پدر و مادرم، خوبانی که چهره ی فداکاری ها و مهربانیهایشان در تار و پود وجودم دریای محبتی به وجود آورده که هر قطره اش عصاره ی هزار عشق و زیبایی است. همچنین از برادر و خواهر عزیزم به خاطر تمامی مساعدتهایشان متشکرم.

سپاس و تشکر از استاد ارجمند جناب آقای ناصر علیزاده که با راهنمایی های ارزشمند خود باعث هر چه پر بار تر شدن این پژوهش شده اند.

سپاس و تشکر از استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر میر نعمت ال... موسوی، که چه در دوره ی کارشناسی و چه در دوره ی کارشناسی ارشد، همواره مشوق و راهنمای من بوده اند.

از استاد خوبم جناب آقای دکتر باقر صدری نیا به خاطر نیکی بی دریغشان سپاسگزاری میکنم.

از استاد محترم جناب آقای دکتر حسین خوشکبار و خانواده محترم ایشان که چتر حمایت خود را بر سر من گستراندند و در مدت تالیف پان نامه، کتابخانه شخصی خود را در اختیار من قرار داده اند تشکر و قدر دانی مینمایم.

از استاد گرامی جناب آقای دکتر حسین صبوری به پاس یاریشان سپاسگزارم.

آقای مصطفی دانش و خانم فاطمه جمشیدی، رئیس و مسئول کتابخانه مقبره الشعرا را به دلیل وجدان اخلاقی و زحمات فراوان ایشان جهت تهیه ی منابع و ماخذ مورد نیازم قدر می نهم.

همچنین از آقای احمد خوشدل و آقای غلامرضا باطنی و دوستان خوبم،الناز خسروی پرو، مریم اصل ذاکر، سولماز خوشکبار، نیلوفر حاجی زاده، شیدا عیدی پور، مرضیه مجیدی و در نهایت از تمامی استادان و دوستانی که در طول این مدت، زحماتم گریبان گیرشان بوده است و پا به پا مرا همراهی کرده اند، خالصانه سپاسگزارم و در سراسر عمر همیشه و در همه حال بهترین ها را برای ایشان آرزو می کنم، و از در گاه خدای بزرگ تندرستی و شادگامی آنان را خواستارم.

## روش کار تحقیق

روش کار تحقیق چنین بوده است که در ابتدا اوضاع سیاسی ایران در فاصله سال های ۱۳۲۰-۱۳۰۰ بر مبنای کتب و منابع موجود مورد بررسی قرار گرفته است. سپس موقعیت اجتماعی و فرهنگی زنان در سالهای مزبور بیان گردیده است. بعد تعریف رمان و انواع آن ذکر شده است. سپس هر یک از رمان ها بعد از روخوانی بر مبنای طرح و عناصر داستانی فیش برداری شده و خلاصه هر رمان نوشته شده است. سپس همان کتاب برای بار دوم بر مبنای فاکتورهای فمینیستی فیش برداری شده و مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در پایان فیش های مربوط به نقد فمینیستی با توجه به نقد ساختاری و مطالب کتب بررسی و بیان گردیده است.

## فهرست مطالب

	صفحه	عنوان
۱		چکیده
۲		پیشگفتار
۳	۱۳۲۰-۱۳۰۰	- فصل اول: اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران مابین سالهای
۶		تحولات مهم حکومتی و سیاسی
۷		رویکردهای ادبی و فرهنگی
۱۱	۱۳۲۰-۱۳۰۰	- فصل دوم: موقعیت اجتماعی و فرهنگی زنان مابین سالهای
۱۵		موقعیت زن در تحولات سیاسی و اجتماعی
۱۶		باز نمود موقعیت زن در آثار ادبی و فرهنگی
۲۰		- فصل سوم جنبش فمینیسم
۲۳		جنبش فمینیسم
۲۴		فمینیسم چیست؟
۲۴		فمینیست کیست؟
۲۵		تاریخچه کوتاه فمینیسم
۲۵		نظریه های نقد فمینیستی (موج های فمینیسم)
۲۹		ویژگی های فمینیسم
۳۱		دستاوردهای فمینیسم
۳۲		فمینیسم در ایران
۳۳		نقد ادبی فمینیسم
۳۶		- فصل چهارم: رمان
۳۷		تعریف رمان
۳۹		انواع رمان
۳۹		۱. رمانهای آموزشی و تاریخی
۴۰		۲. رمان های اجتماعی
۴۲		فهرست رمانهای چاپ شده در این دوره
۴۳		- فصل پنجم: مرتضی مشفق کاظمی

۴۳	زندگی نامه
۴۴	معرفی آثار
۴۵	۱. تهران مخوف و یادگار یک شب
۴۵	چکیده داستان تهران مخوف
۴۸	چکیده داستان یادگار یک شب
۴۹	نقد ساختاری تهران مخوف و یادگار یک شب
۶۶	نقد فمینیستی تهران مخوف و یادگار یک شب
۷۴	۲. رشک پر بها
۷۵	چکیده داستان
۷۵	نقد ساختاری
۷۸	نقد فمینیستی
۸۰	<b>- فصل ششم : عباس خلیلی</b>
۸۱	زندگی نامه
۸۱	معرفی آثار
۸۳	۱. روزگار سیاه
۸۳	چکیده داستان
۸۷	نقد ساختاری
۸۹	نقد فمینیستی
۹۵	<b>- فصل هفتم : یحیی دولت آبادی</b>
۹۶	زندگی نامه
۹۷	معرفی آثار
۹۷	شهرناز
۹۸	چکیده داستان
۱۰۱	نقد ساختاری
۱۰۵	نقد فمینیستی
۱۰۹	<b>- فصل هشتم : علی اصغر شریف رازی</b>
۱۰۹	زندگی نامه
۱۱۰	معرفی آثار
۱۱۰	خون بهای ایران یا عشق و شکیبایی جلد ۱ و ۲

۱۱۱	چکیده داستان
۱۱۱	نقد ساختاری
۱۱۵	نقد فمینیستی

### - فصل نهم : ربیع انصاری

۱۱۹	زندگی نامه
۱۱۹	معرفی آثار
۱۲۱	جنايات بشر يا آدم فروشان قرن بیستم
۱۲۱	چکیده ی داستان
۱۲۲	نقد ساختاری
۱۲۵	نقد فمینیستی

### - فصل دهم : محمد حجازی

۱۳۰	زندگی نامه
۱۳۰	معرفی آثار
۱۳۲	۱. هما
۱۳۲	چکیده داستان
۱۳۴	نقد ساختاری
۱۳۷	نقد فمینیستی
۱۴۰	۲. پریچهر
۱۴۰	چکیده داستان
۱۴۱	نقد ساختاری
۱۴۵	نقد فمینیستی
۱۴۶	۳. زیبا
۱۴۶	چکیده داستان
۱۴۸	نقد ساختاری
۱۵۲	نقد فمینیستی

### - فصل یازدهم : جهانگیر جلیلی

۱۵۴	زندگی نامه
۱۵۵	معرفی آثار
۱۵۶	من هم گریه کرده ام



۱۵۶	چکیده داستان
۱۵۷	نقد ساختاری
۱۵۸	نقد فمینیستی
۱۶۰	<b>- فصل دوازدهم : محمد مسعود</b>
۱۶۱	زندگی نامه
۱۶۲	معرفی آثار
۱۶۳	۱. تفریحات شب
۱۶۳	چکیده داستان
۱۶۶	نقد ساختاری
۱۷۰	نقد فمینیستی
۱۷۳	۲. در تلاش معاش
۱۷۳	چکیدی داستان
۱۷۵	نقد ساختاری
۱۸۰	۳. اشرف مخلوقات
۱۸۰	چکیده ی داستان
۱۸۲	نقد ساختاری
۱۸۶	نقد فمینیستی
۱۸۸	نتایج و اهداف تحقیق
۱۸۹	منابع (کتاب)
۱۹۱	منابع (مقاله)
۱۹۲	فهرست واژگان و اصطلاحات انگلیسی
۱۹۳	چکیده س انگلیسی

## چکیده

نام و نام خانوادگی : رویا اصغرزاد پیروزیان

شماره دانشجویی : ۸۴۸۱۰۱۲۲۰۵

رشته تحصیلی : زبان ادبیات فارسی

استاد راهنما : دکتر ناصر علیزاده

استاد مشاور : دکتر میر نعمت ا... موسوی

عنوان پایان نامه : سیمای زن در داستان های اجتماعی ادب فارسی در فاصله سالهای ۱۳۲۰-۱۳۰۰

تاریخ دفاع : ۸۶/۱۰/۵

پایان نامه حاضر پانزده رمان اجتماعی چاپ شده در فاصله سال های ۱۳۲۰-۱۳۰۰ (دوره حکومت رضا شاه) را مورد نقد و تحلیل قرار می دهد.

ابتدا عناصر داستانی رمان ها، بر اساس نقد ساختاری بررسی شده و سپس به نقد فمینیستی آنها پرداخته شده است. در این مجال به کتب فمینیستی و جامعه شناختی استناد شده و ویژگی های شخصیت ها با معیارهای نقد فمینیستی سنجیده شده است.

**کلید واژه ها :** داستان، زن، نقد، فمینیسم.

## پیشگفتار

تغییرات سیاسی و اجتماعی ایران در انقلاب مشروطه و پس از آن، نگرش جامعه را نسبت به برخی مسائل تغییر داد، یکی از این مسائل، زنان و حقوق آزادی‌های آنان بود. در جامعه سنتی ایران همچون سایر کشورها زنان جنس دوم و مردان جنس برتر به شمار می‌آمدند و این موضوع امر پذیرفته شده‌ای بود اما با آگاهی یافتن زنان و مردان از موقعیت و جایگاه زن و آشنایی آنها با فرهنگ غرب و آزادی‌های آن نارضایتی از وضع موجود پدید آمد. این نارضایتی در آثار ادبی نویسندگان آن دوره نمود پیدا کرده است. نویسندگان به شرح و بیان مصائب و مشکلاتی پرداختند که زن ایرانی در گیر آن بود. محدوده زمانی سال‌های ۱۳۲۰ - ۱۳۰۰ به دلیل پشت سر گذاشتن تحولات مشروطیت و آغاز عصر معاصر و شروع داستان نویسی مدرن به سبک اروپایی حائز اهمیت ویژه‌ای است.

موضوع این پایان‌نامه بررسی جایگاه زن در رمان‌های اجتماعی چاپ شده در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ است، که متأسفانه به دلیل قدیمی بودن این آثار و عدم چاپ مجدد آنها در سال‌های اخیر، دسترسی به بیست رمان اجتماعی چاپ شده در آن دوره مقدور نشد و بعد از جستجو در شهرهای تبریز، تهران، مشهد و قم پانزده رمان دوره مذکور به دست آمد و مبنای این پژوهش قرار گرفت.

هدف اصلی از تالیف این پایان‌نامه نقد فمینیستی رمان‌های اجتماعی سال‌های ۱۳۲۰ - ۱۳۰۰ بر اساس آراء فمینیست‌ها و جامعه‌شناسان است. واژه فمینیسم در فرهنگ آکسفورد به معنی «خصوصیات جنس مونث» آورده شده است. در سال ۱۸۷۲ الکساندر دوما نمایشنامه نویسنده فرانسوی برای اولین بار واژه فمینیسم را در مورد نهضت حقوق زنان به کار برد و از اواخر قرن نوزدهم به بعد این واژه به نهضتی اطلاق گردید که هدف اصلی آن تلاش برای دستیابی به حقوق مساوی با مردان برای زنان بود نظام مردسالاری و ویژگی‌های زنانه‌ای چون ملاحظت، حجب و حیاء فرمانبرداری، تواضع و مانند آن را برای زنان تبیین کرده است؛ و فمینیست‌ها به دنبال تبیین ارزش‌های دیگری برای زنان هستند.

البته در این پایان‌نامه منظور از واژه فمینیسم به معنای زن‌گرایی مطلق نیست بلکه زن‌انگاری و توجه به جایگاه زن به عنوان انسانی مستقل و دارای هویت و نیمی از جامعه بشری در نظر گرفته شده است باید گفت «فمینیسم امروز ایرانی مانند بسیاری از هم‌تاهایش در کشورهای جهان نمی‌خواهد زنان را بالا بکشد بلکه می‌خواهد همه

انسانها را در رابطه ای انسانی با یکدیگر قرار دهد و این رابطه انسانی که بشر همواره به دنبال آن گشته و خوشبختی اش را در یافتن آن می بیند در مناسباتی قابل دست یابی است که عاری از قدرت و سلطه باشد.<sup>۱۱</sup> این پایان نامه در چهار فصل تنظیم شده است :

فصل اول - اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در فاصله سال های ۱۳۲۰ - ۱۳۰۰

فصل دوم - موقعیت اجتماعی و فرهنگی زنان در فاصله سال های ۱۳۲۰ - ۱۳۰۰

فصل سوم - جنبش فمینیسم

فصل چهارم - رمان، انواع آن و فهرست رمان های اجتماعی چاپ شده در فاصله سال های ۱۳۲۰ - ۱۳۰۰ به ترتیب تاریخی.

فصل پنجم - مرتضی مشفق کاظمی

فصل ششم - عباس خلیلی

فصل هفتم - یحیی دولت آبادی

فصل هشتم - علی اصغر شریف رازی

فصل نهم - ربیع انصاری

فصل دهم - محمد حجازی

فصل یازدهم - جهانگیر جلیلی

فصل دوازدهم - محمد مسعود

در فصل اول تحولات مهم حکومتی و سیاسی آن دوره همچون تغییر حکومت از قاجار به پهلوی، تجدد و مدرنیته رضا شاه، مبارزه با حجاب و رویکرد های دیگر ادبی و فرهنگی دوره مذکور بیان گردیده است. در فصل دوم موقعیت زن ایرانی در تحولات و دگرگونی های حکومت احمد شاه قاجار و رضا شاه پهلوی همانند روزنامه نگاری، رفع حجاب و...، تاثیر موقعیت زن در آثار ادبی و فرهنگی این دوره در نوشته ها و سروده های میرزاده عشقی، عارف قزوینی، ایرج میرزا و فعالیت زنان روزنامه نگار مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل سوم به شرح و تفسیر فمینیسم و جنبشهای فمینیستی و فمینیسم ایرانی پرداخته شده است. در فصل چهارم تعریف رمان و انواع آن و فهرست رمان های چاپ شده در این دوره ذکر گردیده است. از فصل پنجم تا فصل دوازدهم که مهم ترین بخش پایان نامه به شمار می رود. هر فصل به یک نویسنده اختصاص یافته است. در ابتدا زندگی نامه نویسنده و آثار او معرفی شده و چکیده هر رمان ارائه گردیده است. سپس ساختار داستان ها از نظر طرح و عناصر داستان بررسی شده و دست آخر مورد نقد فمینیستی قرار گرفته است؛ در نقد فمینیستی نوع نگرش نویسنده به زن و حقوق اجتماعی او بر اساس کتب فمینیستی و جامعه شناختی مورد بررسی قرار گرفته است. مواردی که در این بررسی به آن پرداخته شده بر حسب هر داستان کمی متفاوت

۱ احمدی خراسانی، نوشین: زنان زیر سایه پدر خوانده ها، نشر توسعه، تهران، ۱۳۸۲، ص ۱۱

است، اما به طور کلی شامل مباحثی چون: جلوه های مرد سالاری، خشونت علیه زنان، روسپی گری و علل آن، نگرش جامعه به زن، بزهکاری زنان، اعتقاد به برتری مرد، بی سوادی، فقر، عشق، چند همسری، طلاق و طبعات آن در زندگی زنان و... می باشد.

سخن آخر اینکه این اثر در برابر دریای بی کران و ژرفای ادبیات معاصر، بویژه داستان نویسی و همچنین تحقیق و مطالعات زنان گامی بسیار کوچک و قطره ای است ناچیز که باید تمامی افراد دست به دست هم دهند تا از این دریای وسیع و عمیق گوهری تابناک و افتخار آفرین استخراج کنند و امیدوارم آشنایی با تفکرات فمینیستی غنیمتی بوده و راهی باشد برای دموکراتیک کردن اندیشه همامان؛ به امید آن روز.

تبریز، پاییز ۸۶

رویا اصغر زاد پیروزیان

## **فصل اول**

**اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در فاصله سال های ۱۳۲۰-۱۳۰۰**

## تحولات مهم حکومتی و سیاسی

«کودتای نظامی بدون خونریزی در شب سوم حوت ( اسفند ) ۱۲۹۹ فصل نوینی در تاریخ ایران گشود. بریگاد قزاق مستقر در پایگاه قزوین به سرکردگی رضا خان میر پنج به سوی پایتخت به حرکت در آمد و دولت ناتوان وقت را بر انداخت. کابینه جدیدی به ریاست سید ضیاء طباطبائی، روزنامه نگار جوان اصلاح طلب که نقش عمده ای در کودتا ایفا کرده بود، تشکیل شد. رضا خان فرمانده کل قوا و وزیر جنگ شد. دیری نپایید که میان این دو اختلاف افتاد و سید ضیاء ناچار استعفا داد و کشور را ترک گفت. در طول ده سال آینده چندین دولت به وجود آمد، ولی رضاخان وزارت جنگ و اختیار ارتش را در دست خود نگه داشت تا اینکه در سال ۱۳۰۲ نخست وزیر شد در آبان ۱۳۰۴ مجلس شورای ملی احمد شاه آخرین پادشاه سلسله قاجار را از سلطنت خلع و حکومت موقت و اداره امور دولت را به رضا خان واگذار کرد. دو ماه بعد ( ۲۲ آذر ۱۳۰۴ ) رضا خان به عنوان نخستین پادشاه دودمان پهلوی بر تخت نشست.

رضا خان مردی با اراده، با تحصیلات رسمی مختصر و شناختی ناچیز از امور بین المللی بود و تربیت نظامی او و جد و جهدش در ایجاد ارتشی نیرومند و ملی قدرت عمده او بشمار می رفت.

پادشاهی اش اساساً متکی به این ارتش بود که او برای حفظ خود عزیز می داشت رضا خان آدمی مصمم علاقه مند به یکپارچگی ایران، استقرار حکومتی متمرکز بر پایه نهاد های اجتماعی و اقتصادی نوین و قطع نفوذ و مداخله ی بیگانه در امور داخلی کشور بود. در مراحل نخست سلطنتش، به یاری شماری از ملی گرایان و رهبران مشروطه خواه پیشین به پیشرفت های قابل ملاحظه ای نیز در راه تحقق این هدف ها نائل آمد. اما هر چه بیشتر قدرت شخصی پیدا کرد طرز کارش خود سرانه تر شد. با فشار قهر آمیز ارتش، عشایر تا اندازه ای سر به راه و فرمانبردار شدند، اما کوشش دولت برای اسکان دادن دائم آنها به جایی نرسید.<sup>۱</sup>

«سلطنت رضا شاه، شاهد ایجاد «نظم نوین» بود. او پس از تاجگذاری در سال ۱۳۰۵ با بنا کردن و تقویت تکیه گاه خویش بر سه رکن ارتش جدید، بوروکراسی دولتی و حمایت دربار، به تثبیت قدرت خود پرداخت. برای نخستین بار پس از عصر صفوی دولت توانست با ابزارهای گسترده مدیریت، نظم و سلطه جامعه را اداره کند و رضا شاه نیز با تثبیت قدرتش قادر بود برنامه بلند پروازانه اصلاحات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را آغاز نماید. او توفیق یافت که بسیاری از نوآوری هایی را که اصلاح طلبانی چون شاهزاده عباس میرزا، امیر کبیر، سپهسالار، ملکم خان و دموکراتهای انقلاب مشروطه پیشنهاد کرده بودند و سرانجامی نیافته بود، به انجام رساند. رضا شاه تا سال ۱۳۲۰ نظم نوینی برقرار کرده بود و تنها تهاجم انگلستان و شوری به کشور بود که راه را برای برکناری اجباری او هموار ساخت».<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - کامشاد، حسن : پایه گذاران نثر جدید فارسی، چاپ اول، نشر نی، تهران، ۱۳۸۴ ص ۸۸ - ۸۹.  
<sup>۲</sup> - آبراهامیان، پرواندا : ایران بین دو انقلاب ( از مشروطه تا انقلاب اسلامی )، ترجمه کاظم فیروز مند، حسن شمس آوری، محسن مدیر شانه چی، چاپ چهارم، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۲۴.

«رضا شاه همچنین با بوروکراسی مدرن دولتی نظم نوین را تقویت کرد. بتدریج مجموعه غیر رسمی مستوفیان قدیم، میرزاهای موروئی و وزیران مرکز نشین فاقد اداره در استانها را به صورت ۹۰۰۰۰ کارمند تمام وقت دولتی در ده وزارتخانه کشور، امور خارجه، دادگستری، دارائی، فرهنگ، بازرگانی، پست و تگلگراف، کشاورزی، راه و صنایع به کار گمارد. برای اولین بار در عصر جدید، دولت می توانست از پایتخت به استانها و شهرستانها و بخشها و حتی روستاهای بزرگ دسترسی داشته باشد».<sup>۱</sup>

«رضا شاه برای تضمین قدرت مطلق خود، روزنامه های مستقل را تعطیل کرد، مصونیت پارلمانی را از نمایندگان سلب کرد و باز مهمتر از آن، احزاب سیاسی را از بین برد».<sup>۲</sup>

«جنگ مذهب زدایانه رضا شاه در جبهه های مختلف جریان داشت در نتیجه روحانیون نفوذ خود را نه تنها در سیاست بلکه در امور حقوقی، اجتماعی و اقتصادی از دست دادند.

همچنین سیاستی که در برابر عشایر اتخاذ شد، با هدف بلند مدت تبدیل امپراطوری کثیر الملّه به دولتی یک پارچه با مردمان واحد، ملت واحد، زبان واحد، فرهنگ واحد و اقتدار سیاسی واحد ارتباط نزدیک داشت. سواد فارسی با توسعه مدارس دولتی، بوروکراسی دولتی، دادگاههای مدنی و ارتباطات جمعی، توسط حکومت افزایش یافت. برعکس، آموزش زبانهای غیر فارسی بویژه آذری، عربی و ارمنی با تعطیل معهود مدارس و نشریات چاپی اقلیتها کاهش یافت».<sup>۳</sup>

«حرکت برای ترفیع موقعیت زنان در سال ۱۳۱۳ بلافاصله پس از دیدار رضا شاه، از ترکیه که مصطفی کمال در آنجا به مبارزه ای مشابه مشغول بود، آغاز شد. موسسات آموزشی بویژه دانشگاه تهران درهای خود را به روی مرد و زن گشودند. اماکن عمومی چون سینماها، کافه ها، هتلها، در صورتی که تبعیضی در خصوص زنان قائل می شدند باید جرائمی سنگین می پرداختند. مهم تر از همه رضا شاه حجاب بویژه چادر سنتی را که از فرق سر تا نوک پارا می پوشاند ممنوع کرد.

اصلاحات آموزشی، موثرترین اصلاحات مدنی آن زمان بود، بین سال های ۱۳۰۴ و ۱۳۲۰ ظرفیت آموزشی به طور عینی تا دوازده برابر افزایش یافت. و به تبع آن تحصیلات عالی نیز ترقی کرد. در سال ۱۳۰۴ کمتر از ۶۰۰ دانشجو در شش مدرسه تحصیلات عالی جدید وجود داشت و در سال ۱۳۱۳ این شش دانشکده یکجا دانشگاه تهران را تشکیل دارند و در اواخر دهه ۱۳۱۰ پنج دانشکده جدید بدان افزوده شد».<sup>۴</sup>

«نظام کاپیتولاسیون که از نیمه قرن نوزدهم در ایران به اجرا گذاشته شده بود در سال ۱۳۰۷ ملغا شد و این نخستین گام به سوی از بین بردن نفوذ خارجی بود، سپس مستشاران خارجی در دوایر مختلف دولتی از کار بر

<sup>۱</sup> - آبراهامیان، پرواند : ایران بین دو انقلاب ( از مشروطه تا انقلاب اسلامی )، ترجمه کاظم فیروز مند، حسن شمس آوری، محسن مدیر شانه چی، چاپ چهارم، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۲۵.

<sup>۲</sup> - همان، ص ۱۲۶.

<sup>۳</sup> - همان، ص ۱۳۰.

<sup>۴</sup> - همان، صص ۱۳۱-۱۳۲.



کنار شدند. این اقدامات همه منطقی و از نظر سیاسی معقول بود. اما خط مشی دولت کم کم رنگ بیگانه ستیزی به خود گرفت: دکتر میلیسپو می نویسد:

نفرت رضا خان از خارجی ها به حدی رسید که دیدار مردمش را از سفارتخانه ها و نمایندگی های سیاسی خارجی قدغن کرد و به هر گونه تماس اجتماعی ایرانیان با دیپلمات های خارجی عملاً پایان داد... کتابهای وارده از کشورهای خارجی سانسور، گاهی توقیف و در موارد بسیاری سوزانده می شدند.

با وجود این رضا شاه، به ویژه در واپسین سال های پادشاهی اش، روابط نزدیک سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با آلمان نازی برقرار کرد. نه تنها آلمان در صدر فهرست داد و ستد خارجی ایران قرار گرفت و بازارهای کشور انباشته از کالاهای آلمانی شد، بلکه وزارت فرهنگ ایران هم آموزگاران، استادان و مشاوران آلمانی به خدمت گرفت، به رغم هراس شدید شاه از کتاب های خارجی، دولت آلمان در سال ۱۳۱۷ مجموعه ای موسوم به کتابخانه ی علمی آلمانی مشتمل بر ۷۵۰۰ جلد کتاب به ایران اهدا کرد.

در داخل ایران ملی گرایان، که ابتدا به یاری «مرد مقتدر» قادر به تامین امنیت کشور شدند، رفته رفته از پیشوایی که هر روز خود کامه تر می شد احساس ناامیدی کردند. سوء ظن رضا شاه به همگان نیز، به نوبه ی خود گاه تمایز خوب از بد و صالح از نا صالح را در میان جمع سیاستمداران و دیوانیان برجسته کشور دشوار می ساخت. به طور کلی شاه فاقد یاران و اطرافیان قابل اعتماد بود و مسئولیت سهمگینی به دوش می کشید. چون بدون فرمان او هیچ سیاستی آغاز یا انجام نمی یافت. گروهی چاپلوس پیرامون شاه گرد آمدند و اینان - در سایه حمایت او - با فساد و تبهکاری و تملق گوئی، به او و کشور خیانت کردند.

بدین منوال سلطنت رضا شاه که با نوید آزادی شروع شده بود به تدریج به شکل خود کامگی در آمد. منتقدان نظام و مخالفان شاه که به ندرت جان سالم به در بردند صدای روزنامه ها را خفه کردند، احزاب سیاسی ناپدید شدند، مجلس، به جای نمایندگان انتخابی مردم، مرکب از منصوبان دولتی گوش به فرمان شاه بود. برای مقابله با انتقادهایی که سیاست اصلاحات شتابان او ناگزیر برانگیخت، شاه سازمانی برای «هدایت عمومی» برپا کرد که مسخره بود. ولی کارهای مثبتی نیز در زمان او در کشور انجام پذیرفت از جمله شمار زیادی عمارت دولتی، کارخانه، بیمارستان، مهمانسرا، جاده و خیابان بنا شد، وسایل حمل و نقل پیشرفت بسیاری کرد و احداث راه آهن سرتاسری به حق یکی از مفاخر شاه بود بهداشت همگانی و آموزش و پرورش به نحوی بی سابقه مورد توجه قرار گرفت. در نظام مالی و اداری کشور اصلاحات قابل ملاحظه ای روی داد، تجارت و داد و ستد خارجی افزایش یافت و گام های متهورانه ای به سوی صنعتی کردن مملکت برداشته شد. در زمان رضا شاه از قدرت روحانیون تا اندازه ای کاسته شد. کوشش زیادی برای تجدد زنان به عمل آمد. در حقیقت، در پاره ای زمینه های اجتماعی پیشرفت های سریعی صورت گرفت، ولی آهنگ پیشرفت دوام نیاورد. ایران به هنگام کناره گیری رضا شاه از جهاتی پیشرفت چشمگیری کرده بود. با این حال سرزمینی ناخرسند بود، چرا که از عدالت و آزادی خبری نبود و ایرانیان به این دو بسیار ارج می نهادند.

بدین سبب دستاورد های رضا شاه، هر چه هم پیشرفته و نیک خواهانه، در نهایت روشن فکران را تسلی نداد. آنها بیش و پیش از همه از چنگ تنگ دیکتاتوری رنج دیدند. نویسندگان از آنجا که آزادی بیان نداشتند یا مدافع رژیم شدند، نوشته های کلیشه ای بیرون دادند و پاداش گرفتند یا سرخورده و ناراضی عزلت گزیدند.<sup>۱</sup> «کسروی در رشته مقالاتی که در سال ۱۳۲۱ منتشر شد، نگرش دو سویه نسل خود به رضا شاه را جمع بندی کرد. شاه معزول را بابت ایجاد دولت متمرکز، آرام ساختن عشایر، سخت گرفتن بر روحانیون، کشف حجاب زنان، حذف القاب اشرافی، برقراری نظام وظیفه، متزلزل ساختن قدرت خوانین، کوشش در متحد الشکل ساختن مردم، ایجاد مدارس، شهرها و صنایع جدید ستود. در عین حال وی را به سبب نقض قانون اساسی، ترجیح دادن مقامات نظامی بر مسئولان کشوری، انباشتن ثروت شخصی، غصب اموال دیگران، کشتن روشنفکران مترقی، و بیشتر کردن شکاف بین دارا و ندار، نکوهش کرد».<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> - کامشاد، حسن: پایه گذران نثر جدید فارسی، ۱۳۸۴ ص ۸۸ - ۹۲.  
<sup>۲</sup> - آبراهامیان، پرواند: ایران بین دو انقلاب (از مشروطه تا انقلاب اسلامی)، ص ۱۴۱.

## رویکردهای ادبی و فرهنگی

«پیش از مشروطیت و از زمان «فتحعلی شاه قاجار»، زمینه‌ی دگرگونی ادبی در ایران فراهم شد و به سبب آشنایی ایرانیان با داستان‌های ترجمه شده از زبان فرانسه، داستان نویسی زمینه‌ی آماده‌ای به خود گرفت. نخست کتاب‌هایی را که آمیزه‌ای از تاریخ و داستان بود به تقلید از داستان‌های «الکساندرا دوما» به فارسی ترجمه کردند و بعد آثار سیاسی و اجتماعی و ادبی را بر آن افزودند. به موازات گسترش انقلاب مشروطه، ژورنالیسم صریح و کوبنده با روزنامه‌ها و به خصوص با روزنامه‌ی «صور اسرافیل» به اوج خود رسید. در زمان «محمد علی شاه قاجار» که انقلاب مشروطیت دوباره پیروز شد، طبقه‌ی شهرنشین دریافت که در این قیام به حق خود نرسیده است. بنابراین شروع به انتشار آثاری کرد که هدف آن رسوا کردن انتخابات تشریفاتی اولین و دومین دوره‌ی مجلس شورای ملی و دیگر انجمن‌ها و جلسه‌ها بود.

از جمله در چاپ خانه‌ی حقیقت تبریز (واقع در خلیفه‌گری کنونی ارامنه)، نمایش نامه‌ای به نام «انجمن محسنیه» چاپ شد که از انتخابات مجلس شورای ملی به تندی انتقاد می‌کرد. در تبریز، رشت، همدان و تهران انجمن‌هایی برای مقابله با بزرگان کشور که از وابستگان دوره‌ی استبداد بودند به وجود آمد. آن‌ها می‌خواستند به همان راهی بروند که دهخدا نشان داده بود. ولی شرایط اجتماعی اجازه نمی‌داد که طنز به همان کوبندگی سابق باشد».<sup>۱</sup>

«اوضاع عمومی کشور ایران را در آثار شعرا و نویسندگان این دوره آشکارا می‌توان دید که همه‌ی آن‌ها از نابودی کشور شکایت دارند. زبان این دوره با آن که از ادبیات درباری و منشیانه، خود را کنار می‌کشید اما هنوز نتوانسته بود رنگ و بوی زبان مردم عامی را به خود بگیرد. زبان ادبیات این دوره در مرز میان ادبیات عامیانه و ادبیات ادبی رسمی در نوسان است. نویسندگان از لغت‌های عربی و از جمله‌های طولانی چند سطری استفاده می‌کردند و برای تاکید سخن خود، اشعار یا ضرب‌المثل‌هایی بر نوشته‌ی خود می‌افزودند».<sup>۲</sup>

دکتر تقی ارانی که هنگام تحصیل در اروپا با مارکسیسم آشنا شده بود، پس از بازگشت به ایران، نخستین حزب مارکسیستی را به نام «حزب کمونیست ایران» تاسیس کرد.

این حزب توانست در مدت کوتاهی ناراضیان و طبقه‌ی با سواد و شعرا و نویسندگان را به خود جذب کند. ایدئولوژیست‌های چپ گرا در سال ۱۳۰۵ در شهر ارومیه، نخستین کنگره‌ی خود را تشکیل دادند. در این انجمن مبارزات سیاسی، ترجمه‌ی رمان‌ها و داستان‌های کوتاه از نویسندگان شوروی، مخصوصاً «ماکسیم گورکی» و نوشتن داستان‌هایی همانند آن‌ها، به نویسندگان عضو حزب توصیه شد».<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> - خوشکیار، حسین: نقد و بررسی داستانهای نویسندگان معاصر جامعه گرا (از انقلاب مشروطیت تا سال 1357 ر دانشگاه آزاد، سراب،

1381، صص 11-12

<sup>۲</sup> - همان کتاب، ص 14.

<sup>۳</sup> - همان، صص 15-16

«نتیجه‌ی کنگره این بود که شاعر و نویسنده در برابر مردم اجتماع مسئول است. یا باید از درد و رنج مردم بنویسد و یا نویسندگی را کنار بگذارد. اگر کسی از درد مردم ننویسد خائن به ملت شمرده می‌شود این اندیشه در سال‌های بعد تکامل یافت و به نام «نویسنده‌ی متعهد» در ادبیات فارسی خودنمایی کرد. در این دوران، اگر نویسندگان حزبی و یا نویسندگان طرفدار مردم حق نوشتن نداشتند، در مقابل نویسندگان طرفدار دربار از آزادی‌های کامل بهره‌مند می‌شدند. نویسندگان آگاه در نوشته‌های خود به گذشته روی آوردند تا زمان حال را نشان دهند. ولی با وجود دیکتاتوری و اختناق شدید، ادبیات غیر مجاز در خفا به زندگی خود ادامه داد. «بزرگ علوی» در زندان داستان‌هایش را نوشت... حتی «مرتضی راوندی»، «تاریخ اجتماعی ایران» را در همان زمان به رشته‌ی تحریر کشید. «کریم کشاورز»، «به آذین»، «عبدالحسین نوشین»، «کاظم انصاری» و... نیز رفتاری مشابه داشتند که این وضع تا سال ۱۳۲۰ طول کشید.

آثار نوشته شده‌ای که بعد از سال ۱۳۲۰ منتشر شدند، از نظر موضوع داستانی و سبک دنباله‌رو ادبیات فرانسه بودند. مضامین داستان‌ها یا مانند «یکی بود یکی نبود» جنبه‌ی کم‌رنگ انتقادی و اجتماعی دارند. یا با انتخاب تاریخ، زمان حال را به گذشته برده‌اند و یا مانند داستان‌های «صادق هدایت» نوعی تردید و سردرگمی در داستان‌ها دیده می‌شود.

عده‌ای از نویسندگان به علت اعدام خاموش شدند، گروهی به سبب زندان و یا ترس جان به اجبار سکوت اختیار کردند و دسته‌ی بزرگی که از نویسندگان درباری و یا نویسندگان فرصت طلب تشکیل شده بودند، به بیان ماجراهای عاشقانه‌ی طبقه‌ی اشراف روی آوردند که با حمایت دربار و درباریان به شهرت و ثروت و مقام‌های بالا، دست یافتند. مانند «مطیع الدوله محمد حجازی» و «علی دشتی» در این روزگار خفقان گرفته «صادق هدایت» یک نویسنده‌ی استثنائی بود که بار سنگین داستان‌نویسی را به تنهایی بر دوش کشید.

زبان این دوره در ادبیات غیر مجاز به سوی مردم‌گرایی دارد. می‌خواهد کلام عامه را زبان رسمی داستان قرار دهد، از اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها کمک می‌گیرد، جمله‌ها کوتاه می‌شود و از واژه‌های ادبی گذشته خود را کنار می‌کشد اما زبان ادبیات مجاز، زبانی دور از زبان مردم است. آمیخته با لغات ادبی و نامانوس و با جمله‌بندی ادیبانه که نویسنده برای اظهار فضل از آوردن لغات اروپایی و اصطلاحات علمی نجومی و طب روان‌شناسی خودداری نمی‌کند.<sup>۱</sup>

«روی آوردن به ادبیات جدید، به تقریب از اوایل مشروطیت در ایران آغاز شده است، با کتاب‌هایی نظیر «سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ» زین العابدین مراغه‌ای و «مسالک المحسنین» میرزا عبدالرحیم طالبوف که در واقع داستان به صورت معمول و شناخته شده‌ی امروز نبود بلکه داستان - مقاله یا مقاله‌ای رمان گونه بود که به قصد انتقاد از اوضاع اداری و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی روزگار نوشته شده بود».<sup>۲</sup>

۱ - خوشکبار، حسین: نقد و بررسی داستان‌های نویسندگان معاصر جامعه گرا (از انقلاب مشروطیت تا سال ۱۳۵۷)، ص ۸

۲ - میرصادقی، جمال: ادبیات داستانی (قصه، داستان کوتاه، رمان)، نشر شفا، تهران، ۱۳۶۶، ص ۱۵.